

## بررسی عوامل مؤثر بر قبولی در آزمون کارشناسی‌ارشد

ابراهیم خدایی<sup>۱</sup>

### چکیده

پذیرش دانشجویان در آزمون کارشناسی‌ارشد به عنوان یک آزمون غربالگر و در مقیاس وسیع تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و هدف از ارائه این مقاله ارزیابی و مطالعه این عوامل با استفاده از نظریه‌های مرتبط با «موفقیت تحصیلی» است. طرح پژوهش از نوع پس‌رویدادی و جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌کنندگان در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۱۳۸۵ است که فقط در یک رشته امتحانی شرکت کرده و به صورت تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روش آماری به کار رفته برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع داده‌ها رگرسیون لجستیک بوده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای جنسیت، سن، معدل دوره کارشناسی، وضعیت اشتغال، گروه آموزشی، تحصیلات پدر و شغل پدر و مادر به‌طور معناداری با متغیر قبولی در آزمون رابطه دارند. «تحصیلات مادر» تنها متغیری است که رابطه معناداری با متغیر وابسته ندارد.

**کلید واژگان:** موفقیت تحصیلی، آموزش عالی، تحصیلات و شغل والدین، تحصیلات تکمیلی، آزمون.

### مقدمه

ظرفیتهای آموزش عالی طی ده سال اخیر در مقاطع تحصیلات تکمیلی روند افزایشی کمی داشته است، ولی تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی بسیار افزایش یافته است. برای مثال، تعداد شرکت‌کنندگان و پذیرفته‌شدگان در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۷۹ به ترتیب برابر ۱۶۸۰۵۹ و ۹۷۳۲ و در سال ۱۳۸۷ به ترتیب برابر ۴۷۵۸۸۱ و ۳۶۴۳۰ (NOET, 2005) بوده است. بنابراین، داوطلبان برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و ورود به مقاطع بالاتر رقابت بسیار فشرده‌ای دارند و طبیعتاً بررسی عوامل و متغیرهایی که بر احتمال قبولی مؤثرند، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. با توجه به اینکه یکی از ارکان اساسی توسعه در هر جامعه موفقیت در تحصیل علم و زمینه‌های شغلی گوناگون و ایجاد فرصتهای یکسان برای دستیابی همه افراد جامعه به این منابع است و جوامع مختلف، و به ویژه جوامع در حال توسعه، با موانعی جدی روبه‌رو هستند و سهم افراد از این موفقیتها به ویژه به نسبت جایگاه طبقاتی‌شان از یکدیگر متفاوت است، به همین منظور انجام یافتن بررسیها و تحقیقاتی به منظور شناخت موانع و ارائه راه‌حل‌های ممکن ضروری می‌نماید. مطالعات انجام شده در کشورهای دیگر حاکی از تأثیر زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی بر عملکرد تحصیلی فرزندان آنان بوده است و این زمینه‌ها از این طریق در انتخاب شغل، درآمد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بعدی آنها و نسل بعدی آنها بازتاب پیدا می‌کند.

۱. استادیار آمار سازمان سنجش آموزش کشور : khodaie@sanjesh.org  
پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲۳ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۶/۲۴

تحقیقات زیادی در خصوص عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی در جهان انجام گرفته است که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

موفقیت تحصیلی افراد با متغیرهایی مانند درآمد و نحوه زندگی آنها ارتباط نزدیکی دارد (Battle and Lewis, 2002) و بنابراین، درک این مسئله و چگونگی تأثیر آن بر روی موفقیت تحصیلی بسیار مهم به نظر می‌رسد. چندین حوزه موضوعی وجود دارد که با نتایج تحصیلی بیشتر و بهتر مرتبط است. پیش‌زمینه خانوادگی از دیگر عوامل مؤثر بر نمره آزمون و موفقیت تحصیلی دانشجویان به شمار می‌رود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که موقعیت اقتصادی، اجتماعی، شغل والدین و اندازه خانواده از جمله عوامل مهم خانوادگی مؤثر بر موفقیت و نمره آزمون تحصیلی است (Majorbanks, 1996). موفقیت اجتماعی و اقتصادی (SES) به وسیله ترکیبی از سطح آموزشی والدین، موقعیت شغلی و سطح درآمد والدین تعیین می‌شود و بر موفقیت تحصیلی تأثیرگذار است (Jeynes, 2002). مطالعات متعدد نشان می‌دهند که موقعیت اقتصادی، اجتماعی بر نتایج تحصیلی دانشجویان مؤثر است (Jeynes, 2002; Eamon, 2005; Majorbanks, 1996; Hochschild, 2003; Mcneal, 2001). محیط خانواده به عنوان اولین عامل جامعه‌پذیری افراد بر علایق و آرزوهای فرزندان و آینده آنان تأثیرگذار است. همچنین، شرایط ساختاری خانواده دانش‌آموز نیز بر موفقیت تحصیلی وی اثر دارد. موفقیت تحصیلی دانشجویان به نوعی تحت تأثیر سوابق تحصیلی و کادر علمی مؤسسات آموزش عالی قرار دارد (Pourkazemi, 1994). بنابراین، عوامل اثرگذار بر موفقیت تحصیلی (پذیرش یا تحصیل) موضوع مهمی است که در پژوهش صورت گرفته عوامل اثرگذار بر پذیرش بررسی شده است.

از سال ۱۳۵۷، بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات اساسی در نظام پذیرش دانشجو در کشور رخ داده است. هدف از این تغییرات و اصلاحات ایجاد شانس برابر برای همه داوطلبان، فارغ از عواملی از قبیل وضعیت فرهنگی، اقتصادی، جنسیت و گستره جغرافیایی، برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بوده است. یک نتیجه اعمال سیاست یاد شده، اعمال سهمیه‌بندی و برداشتن محدودیتهای جنسیتی برای ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی بوده است. حال سؤال اساسی این است که چه کسانی می‌توانند در آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی قبول شوند؟ خصوصیات عمده این افراد چیست؟ چه عواملی باعث قبولی آنها می‌شود؟

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا در محدوده امکانات موجود و بر مبنای شناختی که از مشخصات تک‌تک افراد شرکت‌کننده در دسترس بود، به این سوالات پاسخهای جامعه‌شناختی داده شود.

با توجه به اهمیت متغیر وابسته در تحقیقات پس‌رویدادی، متغیر وابسته این پژوهش قبولی در آزمون بوده است، هرچند نمره‌ای که افراد در آزمون کسب می‌کنند زمینه ساز قبولی یا عدم قبولی آنهاست. در این پژوهش فقط به عوامل تأثیرگذار بر موفقیت در پذیرش پرداخته شده و نمرات مورد نظر نبوده است. لذا، با توجه به محدودیتهای موجود، در ادامه علل و عوامل «قبولی» افراد در آزمون بررسی شده است، شایان ذکر است که قبولی در آزمون کارشناسی‌ارشد به نوعی «موفقیت تحصیلی» یا «ارتقای تحصیلی» است و در مباحث تئوریک از مباحث مربوط به موفقیت تحصیلی استفاده شده است.

پیشینه و مبانی نظری: در جوامع ماقبل صنعتی، تعلیم و تربیت فقط در دسترس افراد معدودی بود که وقت و پول لازم را برای کسب تحصیلات داشتند، اما فرایند صنعتی شدن و گسترش شهرها به افزایش تقاضا برای آموزش تخصصی کمک کرد (Sabouri, 1996).

تحصیلات زیربنای اصلی کارآموزی حرفه‌ای<sup>۲</sup> در جهان مدرن و در نتیجه، موتور اولیه<sup>۳</sup> تحرک اجتماعی<sup>۴</sup> است. بیشتر افراد با کسب تحصیلات خود را برای شغل آینده‌شان آماده می‌کنند و در این بین، کسانی که بالاترین نمره را کسب می‌کنند، معمولاً بهترین مشاغل [با پایگاه اجتماعی و بالاترین درآمد] را به دست می‌آورند. بنابراین، موفقیت در دانشگاه بهترین روش برای فایق آمدن بر محدودیتهای خاستگاه اجتماعی است. تا همین اواخر، بیشتر مردان شغل پدرشان را ادامه می‌دادند و بیشتر زنان نیز خانه‌داری را تحت نظر مادرشان یاد می‌گرفتند، اما انتقال مشاغل از مزارع به کارخانه‌ها و پیچیده شدن فرایندهای تولید و مدیریت، به درک و ارزیابی کارایی نظام آموزشی سازمان‌یافته منجر شد. در نتیجه، در طول قرن بیستم نهاد آموزش و پرورش عملاً در تمام کشورهای جهان گسترش یافت و گسترش امکان دسترسی به تحصیلات، همزمان برابری فرصتهای آموزشی نیز افزایش پیدا کرد. بنابراین، نظام آموزشی در طول زمان فرصتهایی را برای افراد باهوش و پرکاری که خاستگاه فروتری دارند، فراهم می‌آورد و در عین حال افراد تنبل و کند ذهنی را که از ثمرات موفقیت‌های والدینشان برخوردارند، محدود می‌سازد و در نتیجه، نظام آموزشی از این طریق نقش محوری در تقویت تحرک اجتماعی (تحرک صعودی و نزولی) ایفا می‌کند (Treiman and Ganzeboom, 2003).

باید توجه داشت که در تحقیق جامعه‌شناختی بر فرایندهای موفقیت تحصیلی تأکید می‌شود. این امر در وهله نخست به دلیل منافع مستقیمی است که از تحصیلات عاید می‌شود و در مرحله بعد، بدین سبب است که پیشرفت تحصیلی به مثابه گامی کلیدی در دیگر فرایندهای موفقیت همچون موفقیت شغلی انگاشته می‌شود، زیرا تحصیلات فرصتهایی را در اختیار افراد قرار می‌دهد تا تحرک منزلتی داشته باشند. روابط بین ابعاد تحول منزلت<sup>۴</sup> نظیر جنسیت، نژاد و تحصیلات همیشه توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است (Beuteland Axinn, 2002). موفقیت تحصیلی فی‌نفسه مهم است، چرا که اولاً یکی از مؤلفه‌های پایگاه اجتماعی به شمار می‌رود و ثانیاً موفقیت تحصیلی تأثیرات زیاد و مستقیمی بر جایگاه یک فرد در ساختار شغلی و درآمد وی دارد و همچنین، در موفقیت تحصیلی فرزندان در آینده نیز نقش دارد (Wells, 1995). نکته‌ای که هرگز نباید فراموش شود و در واقع، در این پژوهش نیز هدف بررسی آن است، این امر است که آیا موفقیت تحصیلی افراد به دلیل فرصتهای نابرابری است که وجود دارد یا خیر؟ در شرایط برابری فرصتهای آموزشی انتظار می‌رود که افراد از هر طبقه اجتماعی یا گروه قومی و نژادی فرصت یکسانی برای ورود به دانشگاه داشته باشند؛ به عبارت دیگر، عواملی مانند جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی تأثیری در موفقیت تحصیلی نداشته باشد (Behravan, 1992).

نظریه‌های مختلفی در خصوص عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی ارائه شده است. گروهی از اندیشمندان بر ویژگیهای درونی افراد (هوش، خودپنداری<sup>۵</sup>، و ...) تأکید دارند و برخی دیگر نیز عوامل بیرونی (خانواده، طبقه اجتماعی، مدرسه و ...) را مهم تلقی می‌کنند. در بین عوامل بیرونی هوش اهمیت ویژه‌ای دارد. در حالی که یافته‌های تحقیق جنسن<sup>۶</sup> و آیزنک<sup>۷</sup> به این مطلب اشاره می‌کند که هوش مبتنی بر ژنتیک موجب بخش عمده‌ای از تفاوت‌های پیشرفت تحصیلی در میان گروههای اجتماعی می‌شود، بررسیهای باولز<sup>۸</sup> و جین تیس<sup>۹</sup> نشان می‌دهد

2. Vocational Training
3. Social Mobility
4. Ascribed Dimensions of Status
5. Self-concept
6. Jensen
7. Eysenck
8. Bowles

که بهره‌هوشی تقریباً با موفقیت تحصیلی و اقتصادی ارتباطی ندارد. در مطالعات مختلف نشان داده شده است که حتی هنگامی که عامل هوش ثابت نگاه داشته شود، بین اعضای گروههای اجتماعی مختلف از نظر پیشرفت تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد (Safavi, 1989).

جنسیت نیز نقش مؤثری در موفقیت تحصیلی دارد. تعداد زیادی از پژوهشهای قبلی تفاوت‌های مهمی را از نظر موفقیت تحصیلی در بین مردان و زنان نشان می‌دهند. برای مثال، یافته‌های پژوهشی که در طول دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ایالات متحده انجام شد، نشان داد که زنان نسبت به مردان گرایش به سطوح پایین‌تری از موفقیت تحصیلی و تحرک شغلی بین نسلی دارند. به علاوه، این تحقیقات نشان داد که هر چند ویژگیهای والدین عامل مهمی برای موفقیت مردان و زنان به شمار می‌رود، اما پسران نسبت به دختران برای تحصیل بیشتر تشویق می‌شوند. در واقع، آن عده از مطالعات فرایندهای موفقیت که شامل عوامل مرتبط با نقشهای بزرگسالی خانوادگی زنان همچون سن اولین ازدواج و سن اولین زایمان است، اثرهای بارزی بر پیامدهای تحصیلی برای زنان و نه مردان دارد. این امر بیانگر آن است که تفاوت‌های جنسیتی در موفقیت تحصیلی، به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در نقشهای بزرگسالی و تأکید بر نقشهای مرتبط با خانواده زنان، ممکن است افزایش یابد. در مواجهه با تضاد نقش واقعی یا ادراک شده بین پیروی از نقش خانوادگی و دنبال کردن نقشهای تحصیلی و حرفه‌ای، تأکید بر نقشهای خانوادگی برای زنان ممکن است آنان را به ترک تحصیل وادارند یا والدین آنها را به ناامید کردن آنان از ادامه تحصیل رهنمون شود. همچنین، والدین ممکن است تحصیلات دختران را به مثابه وسیله‌ای برای تقویت دورنمای ازدواج آنها مطلوب بدانند (Beutel and Axinn, 2002).

در بین عوامل بیرونی، زمینه‌های خانوادگی و خاستگاه طبقاتی نقش پررنگی در موفقیت تحصیلی دارند. بالنتاین<sup>۹</sup> معتقد است که پیشینه طبقاتی اجتماعی می‌تواند به افراد کمک کند یا مانع پیشرفت آنان شود. طبقه اجتماعی تنها عامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی نیست، زیرا که درون هر طبقه اجتماعی تنوع و تغییر زیادی وجود دارد. اما قطعاً میان طبقه اجتماعی و موفقیت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد (Alagheband, 2005).  
قشر بندی طبقاتی و قومی مستقیماً با پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد. خرده‌فرهنگها، هنجارها و ارزشهای متمایز طبقات اجتماعی و گروههای قومی بر عملکرد نظام آموزشی اثر می‌گذارد.  
هربرت هایمن<sup>۱۱</sup> بر آن است که نظام ارزشی طبقات پایین اجتماعی یک مانع خود ساخته برای وضعیت مناسب ایجاد می‌کند. هایمن با استفاده از یافته‌های جامعه‌شناسان تفاوت‌های زیر را میان نظام ارزشی طبقه کارگر و متوسط برمی‌شمارد:

۱. اعضای طبقه کارگر ارزش پایین‌تری برای آموزش و پرورش قایل‌اند. آنان تأکید کمتری بر آموزش رسمی دارند و آن را وسیله‌ای برای پیشرفت شخصی قلمداد نمی‌کنند و ارزش کمتری برای ادامه تحصیل پس از دوران سن قانونی مدرسه‌ای قایل‌اند.
۲. برای آنها موفقیت‌های شغلی سطح بالا ارزش کمتری دارد. در ارزیابی مشاغل، آنها به ثبات، امنیت شغلی و منافع آنی اقتصادی اهمیت می‌دهند و تمایلی به مخاطره‌جویی و سرمایه‌گذاری که لازمه مشاغل سطح بالاست، ندارند. بنابراین، افق شغلی آنها به یک «شغل متوسط» محدود می‌شود.

9. Gintis

10. Ballantine

11. Herbert H. Hyman

۳. اعضای طبقه کارگر در مقایسه با افراد طبقه متوسط عقیده دارند که فرصت کمتری برای پیشرفت شخصی وجود دارد. این باور احتمالاً سبب می‌شود که برای تعلیم و تربیت و موفقیت‌های بالای شغلی ارزش کمتری قایل شوند. هایمن چنین استدلال می‌کند که گرچه ممکن است نظر آنان در باره این وضعیت واقعیت داشته باشد، همین باور باز هم سبب تقلیل بیشتر فرصت می‌شود.

به طور کلی، هایمن چنین نتیجه می‌گیرد: «فردی که به طبقه پایین اجتماعی تعلق دارد، موقعیت چندانی طلب نمی‌کند و می‌داند که اگر خواستار موفقیت باشد، نمی‌تواند بدان دست یابد و در پی جستجوی کمک برای دستیابی به موفقیت نیست».

سوگارمن<sup>۱۲</sup> معتقد است که تفاوت‌های موجود در ماهیت مشاغل سبب تفاوت در نگرش و دیدگاه افراد می‌شود. کارگران ساده از آنجا که کنترل کمتری بر آینده دارند، کمتر می‌توانند موقعیت خود را بهبود بخشند و با درآمد کمتری که برای سرمایه‌گذاری دارند به سوی قدرگرایی و روزمرگی متمایل و به لذت‌های آنی علاقه‌مند می‌شوند. سوگارمن بر آن است که این نگرشها جزء جدایی‌ناپذیری از خرده‌فرهنگ طبقه کارگر است. بنابراین، دانشجویانی که به این طبقه تعلق دارند، بر حسب همین نگرشها و ارزشها اجتماعی می‌شوند. این امر ممکن است دستکم تا حدی سبب پایین بودن پیشرفت تحصیلی آنان شود.

توجه به زمان حال ممکن است انگیزه موفقیت تحصیلی را بیشتر کاهش دهد و تأکید بر هدفهای بلند مدت و برنامه‌ریزی برای آینده می‌تواند دانش‌آموزان را برای ادامه مستمرتر تحصیلات تمام وقت ترغیب کند. دوگلاس<sup>۱۳</sup> در مطالعه خود به این نتیجه دست یافت که والدین طبقه متوسط علاقه زیادیتری به ادامه تحصیل فرزندان‌شان تا بعد از دوره تعلیمات عمومی و اجباری دارند و آنها را به این کار ترغیب می‌کنند. وی دریافت که علاقه والدین و تشویق آنان به طور فزاینده‌ای در کسب موفقیت تحصیلی اهمیت می‌یابد.

هارالامپوس معتقد است که در طبقه متوسط بر موفقیت تحصیلی در سطح بالا تأکید می‌شود، والدین از فرزندان خود درخواست و انتظار بیشتری در این خصوص دارند، آنان در سطحی وسیع فرزندان خود را به پیشرفت مستمر در تحصیل و آداب اجتماعی ترغیب می‌کنند و با دادن پاداش، الگویی از انگیزه قوی برای موفقیت در کودکان خود به وجود می‌آورند. والدین با بذل توجه فردی به کودکان خود و ترسیم معیارهای بالاتر، محیط انگیزاننده‌ای برای آنان تدارک می‌بینند که موجب رشد عقلانی آنان می‌شود. بدین ترتیب، اعمال کودک‌پروری طبقه متوسط، پیشرفت تحصیلی موفقیت‌آمیز را در نظام آموزشی بنیانگذاری می‌کند (Safavi, 1989).

اسکات (Scott, 2004) بر این باور است که محیط خانواده امکان دستیابی به منابع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم می‌سازد؛ بدین صورت که والدینی که تحصیلات بالایی دارند، می‌توانند ارزشهایی را که شامل اهمیت یادگیری است به فرزندان‌شان منتقل سازند. در واقع، سطح تحصیلات والدین بر محیط فرهنگی که فرزندان در آن بزرگ می‌شوند، مؤثر است. یافته‌های مطالعات طولی اسکات نشان می‌دهد که اشتغال تمام وقت مادران در سنین اولیه فرزندان، به طور متوسط، تأثیر منفی جزئی بر موفقیت تحصیلی دارد. با این همه، اشتغال مادران در سنین بعدی فرزندان مفید است و نتایج مثبتی دارد.

12. Barry Sugarman

13. Douglas

ولز (Wells, 1995) بر این باور است که پیامدهای تحصیل در فرزندان که مادرانشان شاغل‌اند و فرزندان که مادران آنها شاغل نیستند، ممکن است به دو دلیل متفاوت باشد:

۱. تأثیر کلی اشتغال مادر بر موفقیت تحصیلی مشتمل بر تأثیرات مثبت و منفی است که ممکن است در نهایت، همدیگر را خنثی کنند. تأثیرات مثبت اشتغال مادر می‌تواند درآمد اضافی و کارکرد الگوی نقش آنها [به خصوص برای دختران] باشد، در حالی که تأثیرات منفی ممکن است شامل زمانی باشد که مادر دور از فرزندش است که به تعامل کمتر و نظارت اندک منجر می‌شود.

۲. اشتغال مادر فی‌نفسه تأثیر خاصی ندارد، بلکه ماهیت شغلی که او دارد ممکن است تأثیرات مثبت یا منفی بر تحصیل فرزند داشته باشد. همان‌طور که کالمین<sup>۱۴</sup> هم نشان می‌دهد، اشتغال مادر تأثیرات منفی بر ارتقای تحصیلی دارد، اما تأثیر منفی ممکن است به وسیله داشتن مادری که شغل بامنزلی دارد، تعدیل شود. روشن است که یک شغل کم‌منزلی قادر به تعدیل تأثیرات منفی اشتغال مادر نخواهد بود. پس، وقتی هر دو عامل در دامنه وسیعی از مشاغل در نظر گرفته شود، ممکن است چنین به نظر برسد که اشتغال مادر تأثیر اندکی بر موفقیت تحصیلی فرزند دارد یا تأثیری ندارد.

طبق مطالعات بنجامین<sup>۱۵</sup> سطح تحصیلات مادر یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت تحصیلی فرزندان است (Alexander, 2000). بروس و اندرسون (Bruce and Anderson 2004) نیز بر این باورند که احتمال اتمام تحصیلات دانشگاهی در فرزندان والدینی که مدرک دانشگاهی دارند، نسبت به دیگران بیشتر است. به زعم تریمان و گانزبوم (Treiman and Ganzeboon, 2003) به دو دلیل اساسی می‌توان انتظار داشت که خاستگاه اجتماعی تأثیر مثبتی بر تحصیلات بگذارد: ۱. نقش سرمایه فرهنگی<sup>۱۶</sup> خانواده به مثابه نوعی سازکار مداخله‌گر<sup>۱۷</sup> است. والدینی که تحصیلات بالایی دارند، در منزل فضایی را فراهم می‌کنند که مهارت، انتظار و انگیزه‌هایی را به وجود می‌آورد که باعث می‌شود فرزندان به سوی درس خواندن خوب و آرزوی ادامه تحصیل رهنمون شوند. همچنین، این موضوع در خصوص والدینی که از منزلت شغلی بالاتری برخوردارند نیز صدق می‌کند، زیرا این نوع مشاغل به گونه‌ای شناختی<sup>۱۸</sup> پرتوقع هستند. ۲. مشاغل با منزلت بالا گرایش به پرداخت حق‌الزحمه‌های خوب دارند، بنابراین، منابع مادی آنان این امکان را به وجود می‌آورد که شهریه مؤسسات آموزشی را پرداخت کنند و نیازی به ترک تحصیل فرزند برای کمک به خانواده نداشته باشند. در مجموع، افرادی که خانواده‌های آنها از منزلت بالایی برخوردارند، گرایش بیشتری به بهره‌مندی از منابع مادی و فرهنگی عالی دارند که این امر باعث تقویت و تسهیل تحصیلات بلند مدت می‌شود.

پیر بوردیو<sup>۱۹</sup> در تبیین موفقیت تحصیلی افراد بر سرمایه فرهنگی تأکید دارد. به نظر وی هرچه نسبت سرمایه فرهنگی خانواده‌ها در مقایسه با سرمایه اقتصادی‌شان بیشتر باشد، آنان سرمایه‌گذاری بیشتری در امر آموزش و پرورش فرزندان خود دارند (Mardiha, 2000). بوردیو عرصه فرهنگ را مانند نوعی اقتصاد یا بازار در نظر

14. Kalmijn

15. Benjamin

16. Cultural Capital

17. Intervening

18. Cognitively

19. Pierre Bourdieu

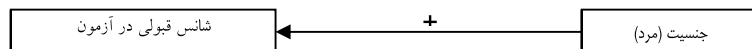
می‌گیرد که در آنجا انسانها بیشتر سرمایه فرهنگی را از خود مایه می‌گذارند تا سرمایه اقتصادی. این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی‌شان سرچشمه می‌گیرد (Salasi, 1994).  
 به زعم بازیل برنشتاین<sup>۲۰</sup> الگوهای زبانی کودکان موجب موفقیت یا شکست تحصیلی‌شان و از این طریق باعث تداوم و استمرار طبقه اجتماعی آنان می‌شود. الگوی زبانی کودکان طبقه اجتماعی پایین، مقید و محدود<sup>۲۱</sup> است. این الگو که با زمینه فرهنگی این طبقه ارتباط دارد، برای سخن گفتن در باره تجربه‌های عملی مناسب‌تر از سخن گفتن در باره افکار و موضوعهای انتزاعی است. اما رشد زبان کودکان طبقه متوسط مستلزم الگوی ماهرانه، پیچیده و مبسوط<sup>۲۲</sup> است. سبک زبانی آنان طوری است که معانی واژه‌ها، متناسب با ضرورت‌های موقعیت، فردی<sup>۲۳</sup> می‌شود. کودکان این طبقه بسیار آسان‌تر می‌توانند موضوعات را تعمیم دهند و اندیشه‌های مجرد و انتزاعی را بیان کنند. به نظر برنشتاین کودکانی که الگوی زبانی مبسوط و ماهرانه دارند، به طرز بارزی توانا تر از کودکانی‌اند که الگوی سخنگویی محدود دارند. همچنین، آنان از عهده وظایف و الزامات آموزش و پرورش برمی‌آیند (Alagheband, 2005).

فرضیه‌های پژوهش: بر اساس اصول روش شناختی زیر فرضیه‌سازی شده است:

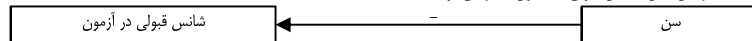
الف. فرضیات بر مبنای نظم قیاسی از چارچوب نظری استنتاج شده‌اند.

ب. در فرضیه‌سازی از منطق ابطال‌پذیری تبعیت شده است.

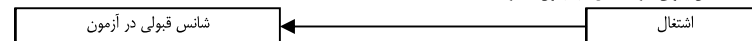
۱. شانس قبولی مردان در آزمون بیشتر از زنان است.



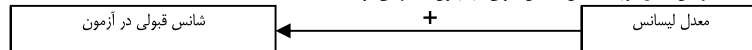
۲. با افزایش سن، شانس قبولی در آزمون کمتر می‌شود.



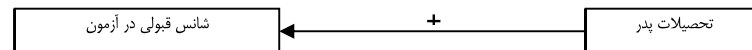
۳. شانس قبولی افراد شاغل در آزمون کمتر است.



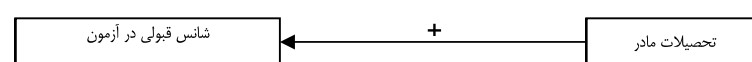
۴. با افزایش معدل دوره لیسانس، شانس قبولی در آزمون بیشتر می‌شود.



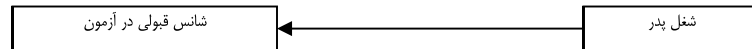
۵. شانس قبولی در آزمون با افزایش میزان تحصیلات پدر بیشتر می‌شود.



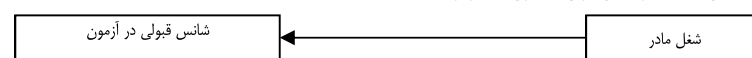
۶. شانس قبولی در آزمون با افزایش میزان تحصیلات مادر بیشتر می‌شود.



۷. بین شغل پدر و شانس قبولی در آزمون رابطه وجود دارد.



۸. بین شغل مادر و شانس قبولی در آزمون رابطه وجود دارد.



20. Basil Bernstein  
 21. Restricted  
 22. Elaborated  
 23. Individualized

## روش پژوهش

طرح تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع پس رویدادی<sup>۲۴</sup> است که در آن پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد (Sarmad, 2004). در این بررسی اطلاعات کلیه شرکت‌کنندگان در آزمون تحصیلات تکمیلی (کارشناسی‌ارشد ناپیوسته) سال ۱۳۸۵ شامل اطلاعات آزمون و وضعیت اجتماعی و سوابق تحصیلی که در جلسه برگزاری آزمون در پاس‌نامه امتحان توسط داوطلبان پاسخ داده شده است، به عنوان جامعه مورد بررسی و به صورت سرشماری تجزیه و تحلیل شده است. با توجه به در دسترس بودن اطلاعات کلیه افراد جامعه ضرورتی به بحث در خصوص نمونه‌گیری و روشهای مرتبط وجود ندارد. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌کنندگان در آزمون تحصیلات تکمیلی سال ۱۳۸۵ در یک رشته امتحانی به تعداد ۲۸۷۱۵۶ نفر است که اطلاعات آنان برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. سازمان سنجش آموزش کشور علاوه بر اخذ اطلاعات شناسنامه‌ای و ساختن نمره‌های استاندارد، معمولاً نظرسنجیهایی در خصوص میزان رضایتمندی از خدمات سازمان انجام می‌دهد که در این نظرسنجیها سؤالی در خصوص وضعیت تحصیلی، شغل والدین، جنسیت، سن، معدل دوره کارشناسی و وضعیت اشتغال داوطلب پرسیده می‌شود. متغیرهای مورد بررسی عبارتند از: قبولی یا مردودی (متغیر پاسخ یا وابسته)، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، پیشینه تحصیلی (معدل کارشناسی)، سن، گروه آموزشی، سهمیه و جنسیت داوطلبان. شایان ذکر است در این آزمون تعداد ۲۰,۳۹۳ نفر (۷.۱٪) از داوطلبان موفق به ورود به دوره‌های تحصیلات تکمیلی شده‌اند.

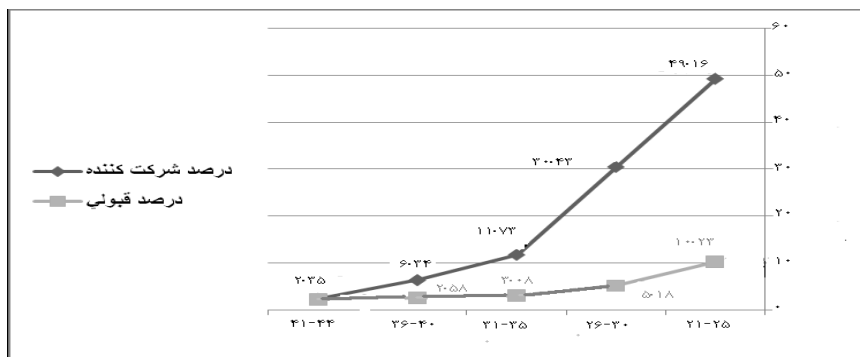
## یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها: بر اساس تعریف متغیرها و آزمونهای مورد هدف برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشها و آماره‌های توصیفی و استنباطی زیر استفاده شده است. روش مورد استفاده برای پیش‌بینی احتمال قبولی یا ردی با توجه به عوامل یاد شده مدل‌بندی به روش رگرسیون لجستیک بوده است. رگرسیون لجستیک از خانواده مدل‌های خطی تعمیم‌یافته است که در آن توزیع متغیر پاسخ دو جمله‌ای است. شایان ذکر است که نرم‌افزار مورد استفاده SPSS بوده است:

۱. جداول طبقه‌بندی وضعیت موجود و پیش‌بینی شده توسط مدل (Classification Table)
  ۲. ضریب  $R^2$  Nagekerk که مشابه  $R^2$  در رگرسیون - تعمیم‌یافته  $R^2$  Snell Cox است.
  ۳.  $-2 \log$  Likelihood که Scaled deviance نیز نامیده می‌شود.
  ۴. Wald Test که مشابه T-Test در رگرسیون خطی است.
  ۵. آزمون نیکویی برازش Hosmer-Lemeshow که به منظور برازش کلی مدل به کار می‌رود.
  ۶. تفسیر مدل رگرسیون لجستیک تأکید تفسیر بر اساس احتمال خواهد بود.
  ۷. ضریب همبستگی اسپیرمن که برای آزمون وجود رابطه بین دو متغیر در جداول توافقی به کار می‌رود.
- تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و تفسیر مدل رگرسیون لجستیک برازش شده به صورت زیر صورت گرفته است.



الف. آماره های توصیفی متغیرها: در آزمون سال ۱۳۸۵، در مجموع ۳۴۲,۷۸۸ نفر (۲۸۷,۱۵۶ نفر در یک رشته و ۵۵,۶۳۲ نفر در دو رشته مجزا) شرکت کرده بودند. در پژوهش حاضر، بنا به دلایل مذکور، تحلیلهای صورت گرفته فقط شامل افرادی است که در یک رشته امتحانی شرکت کرده‌اند. از مجموع افرادی که در یک رشته شرکت کرده بودند، ۲۰,۳۹۳ نفر (۷/۱ درصد) قبول شده‌اند. ۴۹/۳۹ درصد افراد شرکت‌کننده در آزمون مرد و ۵۰/۶۱ درصد نیز زن بودند. میزان قبولی در آزمون در بین مردان ۷/۷۶ درصد و در بین زنان ۶/۴۶ درصد بوده است. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در آزمون ۲۷/۴۶ سال و انحراف معیار آن ۵/۴۶ است. میانگین سن قبول‌شدگان نیز ۲۵/۳۰ سال و انحراف معیار آن ۳/۸۰ است. شایان ذکر است که در تحلیلهای آماری دامنه سن بین ۲۱ تا ۴۴ سال در نظر گرفته شده است [که ۹۹ درصد افراد در این بازه سنی قرار دارند]. همچنین، به منظور ارائه تصویر قابل درک از وضعیت سنی افراد و رابطه آن با قبولی در آزمون، در نمودار ۱ متغیر سن در سطح سنجش رتبه‌ای گزارش شده است، اما در تحلیلهای رگرسیونی از سطح سنجش نسبی استفاده خواهد شد. همان طور که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود، درصد قبولی در آزمون با افزایش سن کاهش می‌یابد.



نمودار ۱- نمودار درصد شرکت‌کنندگان و قبول‌شدگان به تفکیک میزان سن

متغیر مستقل بعدی مورد بحث گروه آموزشی است که ۵۷/۸۹ درصد افراد در گروه آموزشی علوم انسانی، ۱۷/۴ درصد در گروه آموزشی فنی و مهندسی، ۱۲/۵ درصد در گروه آموزشی علوم پایه و بقیه نیز در گروههای آموزشی کشاورزی، هنر و پزشکی شرکت کرده‌اند. در جدول ۱ فراوانی مربوط به این متغیر نشان داده شده است. هر چند بیشتر شرکت‌کنندگان در آزمون متعلق به گروه آموزشی علوم انسانی و فنی مهندس بودند، اما سهم قبولی در بین گروههای آموزشی، به نسبت افراد شرکت‌کننده، یکسان نیست؛ به عبارت دیگر، با اینکه ۴۲/۵ درصد (۸۶۶۱ نفر) از افراد قبول شده در آزمون متعلق به گروه آموزشی علوم انسانی بودند، لکن این تعداد فقط ۵/۲۱ درصد از کل افراد شرکت‌کننده در گروه آموزشی علوم انسانی را تشکیل می‌دادند. در جدول ۱ تعداد و درصد افراد شرکت‌کننده و قبولی به تفکیک گروه آموزشی نشان داده شده است.

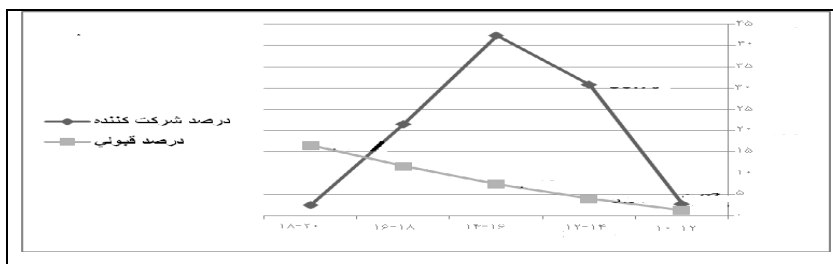
جدول ۱- درصد شرکت‌کنندگان و قبول‌شدگان به تفکیک گروه آزمایشی

گروه آموزشی		علوم انسانی	فنی و مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	هنر	پزشکی	کل
شرکت‌کننده	تعداد	۱۶۶۲۳۱	۴۹۹۰۵	۳۵۸۷۱	۲۱۲۳۴	۹۴۳۰	۴۴۹۵	۲۸۷۱۵۶
	درصد	۵۷.۹	۱۷.۴	۱۲.۵	۷.۴	۳.۳	۱.۶	۱۰۰
قبول‌شدگان	تعداد	۸۶۶۱	۴۳۷۷	۴۵۵۲	۲۱۳۴	۶۱۷	۵۲	۲۰۳۹۳
	درصد	۴۲.۵	۲۱.۵	۲۲.۳	۱۰.۵	۳	۰.۳	۱۰۰
درصد قبولی گروه آموزشی		۵.۲	۸.۸	۱۲.۷	۱۰.۱	۶.۵	۱.۲	۷.۱

میانگین معدل کارشناسی در بین افراد شرکت‌کننده در آزمون (۱۴/۸۱) و انحراف معیار آن نیز ۱/۶۳ است. میانگین معدل کارشناسی در بین قبول‌شدگان آزمون نیز ۱۵/۵۷ با انحراف معیار ۱/۵۶ است. در نمودار ۲ به منظور نشان دادن تصویری روشن از رابطه بین معدل کارشناسی و وضعیت قبولی در آزمون، متغیر معدل کارشناسی، در سطح سنجش رتبه‌ای گزارش شده است، اما در تحلیلهای رگرسیونی از سطح سنجش فاصله‌ای استفاده خواهد شد.

از بین کل افراد شرکت‌کننده در آزمون، ۳۴/۴۵ درصد شاغل بودند و بقیه شغلی نداشتند. میزان قبولی در بین افراد شاغل ۳/۸۴ درصد و در بین افراد غیرشاغل ۸/۸۲ درصد است.

در خصوص تحصیلات پدر و مادر، گفتنی است که ۵۷/۱۷ درصد از شرکت‌کنندگان در آزمون تحصیلات پدرشان متوسطه و عالی و ۴۶/۶۱ درصد از شرکت‌کنندگان تحصیلات مادرشان متوسطه و عالی بود. همان‌طور که در جدول ۲ نیز نشان داده شده است، با افزایش تحصیلات والدین میزان قبولی نیز افزایش می‌یابد، هر چند که تفاوتی نیز در میزان تأثیر تحصیلات پدر و تحصیلات مادر مشاهده می‌شود، برای مثال، ۹/۲۲ درصد از کسانی که پدر آنها تحصیلات عالی داشته‌اند، در آزمون قبول شده‌اند، اما این میزان در خصوص کسانی که مادر آنها تحصیلات عالی داشته، ۹/۵۸ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر، میزان تأثیر تحصیلات مادر بیشتر از میزان تأثیر تحصیلات پدر است.



نمودار ۲- نمودار درصد شرکت‌کنندگان و قبول‌شدگان به تفکیک معدل دوره کارشناسی

جدول ۲- درصد شرکت کنندگان و قبول شدگان به تفکیک تحصیلات پدر و مادر

تحصیلات عالی	متوسطه	ابتدایی	بی سواد	تحصیلات پدر	درصد شرکت کننده
۳۳.۹۶	۳۳.۲۱	۲۸.۸۰	۱۴.۰۳	تحصیلات پدر	
۱۲.۶۷	۳۲.۹۴	۳۲.۸۶	۲۱.۵۳	تحصیلات مادر	
۹.۲۲	۷.۱۶	۶.۹۷	۶.۳۹	تحصیلات پدر	
۹.۵۸	۷.۷۸	۷.۱۴	۶.۲۰	تحصیلات مادر	درصد قبولی

در بین افراد شرکت کننده در آزمون، ۵۱/۳۲ درصد از آنان، شغل پدر خود را «بیکار» [احتمالاً بیشتر این افراد بازنشسته بوده اند]، ۳۰/۵۲ درصد «کارمند بخش خصوصی یا دارای شغل آزاد»، ۱۵/۶۴ درصد «کارمند دولت» و ۲/۵۱ درصد نیز «هیئت علمی، دبیر یا معلم» ذکر کرده اند. در بین مادران افراد شرکت کننده، ۷۹/۹۲ درصد «خانه دار»، ۳/۹۹ درصد «کارمند بخش خصوصی یا دارای شغل آزاد»، ۶/۴۳ درصد «کارمند دولت» و ۹/۶۵ درصد نیز «هیئت علمی، دبیر یا معلم» بودند. با توجه به جدول ۳ می توان گفت که فرزندان که والدینشان دارای مشاغل به اصطلاح فرهنگی هستند، بیشترین درصد قبولی را دارند و بعد از این رده شغلی، به ترتیب، کارمندان دولت و کارمندان بخش خصوصی و مشاغل آزاد قرار دارند. درصد قبولی افرادی که والدین آنها بیکار، بازنشسته و خانه دار بودند، کمتر است.

جدول ۳- درصد شرکت کنندگان و قبول شدگان به تفکیک شغل پدر و مادر

بیکار / خانه دار	کارمند بخش خصوصی یا شغل آزاد	کارمند دولت	هیئت علمی، دبیر یا معلم	درصد شرکت کننده	شغل پدر
۵۱.۳۲	۳۰.۵۲	۱۵.۶۴	۲.۵۱	۷۹.۹۲	شغل پدر
۷۹.۹۲	۳.۹۹	۶.۴۳	۹.۶۵	۲.۵۱	شغل مادر
۷.۱۵	۷.۳۰	۸.۴۹	۱۰.۰۱	۷.۱۵	شغل پدر
۷.۱۵	۷.۸۵	۸.۶۶	۹.۰۴	۷.۱۵	شغل مادر

ب. تجزیه و تحلیل و تفسیر مدل های رگرسیون لجستیک برازش شده: در این مقاله برای آزمون مدل برازش شده از تست های  $-2\log \text{likelihood}$  به منظور آزمون معناداری کل مدل استفاده شده است. مقادیر دو آماره یاد شده به ترتیب برابر ۱۳۰۲۷۲ است که آزمون نشان دهنده معنادار بودن مدل برازش شده در سطح ۹۹/۹۹٪ است. علاوه بر این، نتایج به دست آمده از مدل نشان می دهد که متغیرهای مستقل در مجموع ۷۶/۱ درصد از احتمال قبولی را در آزمون تحصیلات تکمیلی ۸۵ پیش بینی می کنند. ذکر این نکته ضروری است که در برازش مدل از روش Forward استفاده شده است و مدل برازش شده در جدول ۴ با عنوان متغیرهای داخل مدل نشان داده شده است.

به طور کلی، در تفسیر مدل های رگرسیون لجستیک سه روش یا دیدگاه وجود دارد که عبارت اند از: تفسیر مدل با استفاده از احتمال های پیش بینی شده، نسبت بختها یا شانس و لوجیت. در این مقاله چون بحث اصلی افزایش یا کاهش شانس قبولی داوطلبان با توجه به متغیرهای مدل برازش شده است، لذا، تفسیر مدل هم بر اساس نسبت بختها یا شانس خواهد بود. در برازش مدل آخرین طبقه به عنوان طبقه مرجع در نظر گرفته شده و همان طور که اشاره شد، تفسیر بر اساس نسبت بختها یا  $Exp(\beta)$  بوده است.

متغیر وابسته این پژوهش به صورت اسمی دو حالت است (قبولی یا عدم قبولی) و به همین دلیل، در تحلیل چند متغیری از رگرسیون لجستیک<sup>۲۵</sup> استفاده شده است.

به منظور تبیین و پیش‌بینی بهتر وضعیت قبولی در آزمون، چهار مدل رگرسیونی بررسی شده است. در مدل اول متغیرهای فردی (جنسیت، سن، معدل کارشناسی، وضعیت اشتغال و گروه آزمایشی) وارد معادله رگرسیونی شدند. در مدل دوم متغیرهای خانوادگی (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، و شغل مادر) در معادله وارد شدند. مدل سوم و چهارم نیز شامل تمام متغیرهای فردی و خانوادگی بوده است. در جدول ۴ آماره‌های مربوط به این مدلها نشان داده شده است.

مدل اول: ابتدا متغیرهای فردی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. از بین پنج متغیر جنسیت، سن، معدل کارشناسی، وضعیت اشتغال و گروه آزمایشی، هر پنج متغیر رابطه معناداری با شانس قبولی افراد در آزمون دارند، بدین معنا که با ثابت گرفتن دیگر متغیرهای فردی، شانس قبولی مردان، به طور معنادار، بیش از زنان است (۱/۹۱۱ برابر). با افزایش سن، احتمال قبولی در آزمون به طور معناداری کاهش می‌یابد. با افزایش معدل دوره کارشناسی، شانس قبولی در آزمون بیشتر می‌شود؛ شانس قبولی افراد شاغل به صورت معناداری کمتر است و شرکت‌کنندگان در گروه‌های آزمایشی علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، هنر، علوم انسانی و پزشکی به ترتیب بیشترین شانس قبولی را دارند.  $R^2$  این مدل ۰/۱۲۲ است؛ یعنی این پنج متغیر ۱۲/۲ درصد از واریانس شانس قبولی افراد را تبیین می‌کنند.

مدل دوم: در این مدل متغیرهای خانوادگی (تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر) وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. با فرض ثابت در نظر گرفتن متغیرهای خانوادگی، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر رابطه منفی معناداری با شانس قبولی در آزمون دارند. اما در خصوص تأثیر شغل پدر بر شانس قبولی باید گفت که با مرجع<sup>۲۶</sup> قرار دادن گزینه بیکار، شانس قبولی کسانی که شغل پدرشان هیئت علمی، دبیر یا معلم است، نسبت به دیگران، بیشتر است و همچنین، افرادی که پدرانشان کارمند بخش خصوصی‌اند یا شغل آزاد دارند، شانس موفقیت‌شان در آزمون کمتر است. در خصوص شغل مادر هم باید گفت که این متغیر در حضور دیگر متغیرهای خانوادگی اثر معناداری بر قبولی در آزمون ندارد. به نظر می‌رسد که همبستگی درونی این چهار متغیر و اثر خنثی‌کننده آنها بر روی هم تا مقدار زیادی میزان  $R^2$  را کاهش داده است، به طوری که این چهار متغیر فقط ۰/۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

مدل سوم و چهارم: در مدل سوم تمام متغیرهای فردی و خانوادگی به روش اینتر<sup>۲۷</sup> وارد معادله رگرسیونی شده‌اند که برخی از متغیرها اثر معناداری بر متغیر وابسته نشان نمی‌دادند، به منظور حذف متغیرهای بی‌اثر و به دست آوردن معادله رگرسیونی مشخص، در مدل چهارم از روش فوروارد<sup>۲۸</sup> استفاده شده است. با توجه به این مدل نهایی می‌توان گفت که:

- شانس قبولی مردان در آزمون بیشتر از زنان است.
- شانس قبولی در آزمون با افزایش سن کمتر می‌شود.

25. Logistic Regression

26. Reference

27. Enter

28. Forward: Conditional

- با افزایش معدل دوره کارشناسی، شانس قبولی در آزمون نیز بیشتر می‌شود.
- شانس قبولی افراد شاغل، نسبت به بقیه افراد، کمتر است.
- دانشجویانی که در رشته‌های مربوط به گروه آزمایشی علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، هنر، علوم انسانی و پزشکی شرکت می‌کنند، شانس موفقیت‌شان به ترتیب بیشتر است.
- با افزایش تحصیلات پدر شانس قبولی در آزمون بیشتر می‌شود.
- تحصیلات مادر در برابر دیگر متغیرهای فردی و خانوادگی تأثیر معناداری بر قبولی در آزمون ندارد. معنادار نبودن اثر تحصیلات مادر در قبولی و عدم قبولی به دلیل بالا بودن ضریب همبستگی (۰.۸۸) ضریب همبستگی اسپیرمن) با تحصیلات پدر است؛ به عبارت دیگر، تحصیلات مادر در برابر تحصیلات پدر معنادار نیست و اگر تحصیلات پدر از مدل حذف شود، تحصیلات مادر در مدل معنادار خواهد بود.

جدول ۴- ضرایب رگرسیون لجستیک<sup>۲۹</sup> قبولی در آزمون کارشناسی ارشد

عوامل	متغیر مستقل	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم
فردی	جنسیت (مرد)	۱/۹۱۱***		۱/۸۹۴***	۱/۸۹۴***
	سن	-۰/۹۳۶***		-۰/۹۳۸***	-۰/۹۳۸***
	معدل کارشناسی	۱/۰۰۴***		۱/۰۰۴***	۱/۰۰۴***
	وضعیت اشتغال (شاغل)	-۰/۶۰۱***		-۰/۶۰۱***	-۰/۶۰۱***
	گروه آزمایشی (پزشکی)	***		***	***
	کشاورزی	۱۹/۶۴۰***		۲۱/۲۴۴***	۲۱/۲۴۴***
	هنر	۱۰/۸۴۸***		۱۲/۴۰۰***	۱۲/۳۹۸***
	فنی و مهندسی	۹/۱۸۴***		۱۰/۶۸۲***	۱۰/۶۷۹***
	علوم انسانی	۵/۶۰۶***		۶/۴۰۴***	۶/۴۰۴***
	علوم پایه	۵/۶۴۶***		۶/۱۷۹***	۶/۱۷۹***
خانوادگی	تحصیلات پدر	-۰/۹۳۱***		۱/۰۰۳	۱/۰۲۷*
	تحصیلات مادر	-۰/۹۲۳***		۱/۰۲۵	
	شغل پدر (بیکار)	***		***	***
	کارمندبخش خصوصی یا شغل آزاد	۱/۱۳۶*		۱/۱۸۶***	۱/۱۸۳***
	کارمند دولت	۱/۰۱۶		۱/۰۰۰	-۰/۹۹۸
	هیئت علمی، دبیر یا معلم	-۰/۹۱۰***		-۰/۹۰۵**	-۰/۹۰۴**
	شغل مادر (خانه‌دار)	***		**	**
	کارمندبخش خصوصی یا شغل آزاد	۱/۰۴۵		۱/۱۰۴	۱/۱۰۵
	کارمند دولت	۱/۰۵۲		۱/۱۱۴**	۱/۱۱۵**
	هیئت علمی، دبیر یا معلم	۱/۰۰۸		۱/۰۸۹**	۱/۰۹۰**
constant	-۰/۰۰۰***		-۰/۱۱۸***	-۰/۰۰۰***	
NagelkerkeRSquare	-۰/۱۲۲		-۰/۰۰۴	-۰/۱۲۲	
2-Log likelihood	۱۳۰۳۷۲/۶۴		۹۹۹۲۸/۶۱۵	۸۹۰۷۷/۱۴۱	
N	۲۷۳۶۸۹		۱۸۸۵۴۵	۱۸۰۴۷۱	

\* p < /۰.۵  
 \*\* p < /۰.۱  
 \*\*\* p < /۰.۰۱

- نوع شغل پدر نیز با قبولی فرزند در آزمون رابطه معنادار دارد. شانس قبولی افرادی که شغل پدرشان هیئت‌علمی، دبیر یا معلم است، بیشتر است و کسانی که شغل پدر آنها کارمند بخش خصوصی یا آزاد است، شانس قبولی‌شان کمتر است.
- کسانی که شغل مادرشان کارمند دولت و هیئت علمی، دبیر یا معلم و خانه‌دار است، شانس قبولی‌شان در آزمون به ترتیب بیشتر است.

### بحث و نتیجه‌گیری

از بین نظریه‌ها و فرضیه‌هایی که در تبیین علل قبولی افراد در آزمون مطرح شد، تقریباً همه آنها به طور معناداری تأیید شدند:

- هماهنگی با تحقیقات قبلی (Beullad and Axinn 2002) جنسیت افراد عامل مهمی در تعیین نتیجه آزمون است [شانس قبولی مردان بیشتر از زنان است] و همین امر باعث تقویت نظریه‌های مربوط به نقش جنسیت در امر موفقیت تحصیلی می‌شود.
  - هر چه سن افراد بالاتر می‌رود، شانس قبولی آنها در آزمون کمتر می‌شود. البته، این رابطه به طور حتم دلایل و سازکارهایی دارد که خارج از حوصله پژوهش حاضر است، اما به طور منطقی می‌توان گفت که با افزایش سن، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی میزان مطالعه افراد تغییر می‌کند که در نتیجه، شانس قبولی را کاهش می‌دهد.
  - همان طور که پورکاظمی (Pourkazemi, 1994) نشان داد، معدل دوره کارشناسی در موفقیت تحصیلی تأثیر مثبت دارد. در این پژوهش نیز معدل دوره کارشناسی که شاخص موفقیت تحصیلی در این مقطع است، با شانس قبولی در آزمون رابطه مثبت دارد؛ به عبارت دیگر، موفقیت در دوره قبل بر موفقیت در آزمون ورودی دوره تحصیلی بعدی مؤثر است.
  - وضعیت شغلی افراد بر شانس قبولی آنها تأثیر می‌گذارد. افراد شاغل در مقایسه با دیگران فرصت رقابت کمتری دارند، چرا که احتمالاً قدرت آمادگی آنها به دلایل شغلی و محدودیت زمان لازم برای مطالعه کمتر است.
  - از آنجا که سهمیه ورودی گروههای آموزشی از قبل تعیین می‌شود و همچنین، به دلیل نسبتهای متفاوت تعداد شرکت‌کنندگان به سهمیه قبولی، مشخص است که شانس قبولی در برخی از گروههای آزمایشی بیشتر است.
  - در نهایت، باید گفت که خاستگاه اجتماعی (میزان تحصیلات و نوع شغل والدین) تا اندازه‌ای بر شانس قبولی در آزمون تأثیر می‌گذارد [میزان تأثیر تحصیلات والدین در حضور دیگر متغیرها کم‌رنگ‌تر است، به ویژه تحصیلات مادر که تأثیر آن معنادار نیست]. در نتیجه، نظریه‌های مرتبط با دلایل اجتماعی موفقیت تحصیلی با احتیاط در آزمون تحصیلات تکمیلی تأیید می‌شوند.
- البته، به دلایل خاصی که ذکر شد، محدودیتهایی برای انتخاب رشته افراد وجود دارد و به همین دلیل، رابطه بین متغیرها باید با اندکی جرح و تعدیل پذیرفته شوند؛ به نظر می‌رسد که در صورت رفع این محدودیتهای رابطه بین

متغیرهای مستقل و وابسته از وضعیتی که نشان می‌دهند، باید قوی‌تر باشند. تحقیقات بیشتر در این زمینه این ابهامات را روشن‌تر خواهد ساخت.

## References

1. Alagheband, Ali (2005); *The Sociology of Education*; Ravan Publications, Tehran, Iran (in Persian).
2. Alexander, Lona Faye (2000); *The Effects of Parental Involvement, Family Structure and Parents' Educational Attainment on Student Achievement*, Texas, Southern University.
3. Battle, Juan and Michael Lewis (2002); "The Increasing Significance of Class: The Relative Effects of Race and Socioeconomic Status on Academic Achievement"; *Journal of Poverty*, Vol. 6, No. 2, pp. 21-35.
4. Behravan, Hossain (1992); *Sociology*; Astan Ghods Publications, Mashhad, Iran (in Persian).
5. Beutel, Ann M. and William G. Axinn (2002); "Gender, Social Change and Educational Attainment"; *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 51, No. 1, pp. 109-134.
6. Bruce, Christopher and Carmen Anderson (2004); "The Impact of Family Background on Educational Attainment in Canada"; University of Calgary, Department of Economics, Discussion Paper 2004-19.
7. Eamon, Mary Keegan (2005); "Social-demographic, School, Neighborhood, and Parenting Influences on Academic Achievement of Latino Young Adolescents"; *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 34, No. 2, pp.163-175.
8. Hochschild, Jennifer L. (2003); "Social Class in Public Schools"; *Journal of Social Issues*, Vol. 59, No. 4, pp. 821-840.
9. Jeynes, William H. (2002); "Examining the Effects of Parental Absence on the Academic Achievement of Adolescents: the Challenge of Controlling for Family Income"; *Journal of Family and Economic Issues*, Vol. 23, No. 2.
10. Majoribanks, Kevin (1996); "Family Learning Environments and Students' Outcomes A Review"; *Journal of Comparative Family Studies*, Vol. 27, No. 2, pp. 373-394.
11. Mardiha, Mortaza (2000); *Interaction Theory: Scientific Reasons and Wise Choices*; Naghsh and Negar Publications, Tehran, Iran (in Persian).
12. Mcneal, Ralph B. (2001); "Differential Effects of Parental Involvement on Cognitive and Behavioral Outcomes by Socioeconomic Status"; *Journal of Socio-Economics*, Vol. 30, No. 2, P. 171.
13. National Organization for Educational Testing (NOET) (2005); *Postgraduate Nationwide Entrance Examination*; Technical Report, NOET, Thran, Iran (in Persian).
14. Pourkazemi, Hossein (1994); "Effective Factors in Educational Attainment by University Students"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 11, pp. 12-13.

15. Sabouri, Manouchehr (1996); *Sociology*; Ney Publications, Tehran, Iran(in Persian).
16. Safavi, Amanollah (1989); "Educational Attainment based on the Sociology of Education"; *Quarterly Journal of Education*, No. 22 and 23, pp. 59-77(in Persian).
17. Salasi, Mohsen (1994); *Sociology Theory*; Scientific Publications, Tehran, Iran(in Persian).
18. Sarmad, Zohreh (2004); *Research Methods in Behavioral Science*; Aghah Publications, Tehran , Iran(in Persian).
19. Scott, Jacqueline (2004); "Family, Gender, and Educational Attainment in Britain: A Longitudinal Study"; *Journal of Comparative Family Studies*, Vol. 35, No. 4, pp. 565-589.
20. Treiman, Donald J. and Donald B. G. Ganzeboom (2003); *Educational Expansion and Educational Achievement in Comparative Perspective*; California Center for Population Research; On-Line Working Paper Series: [http://www.ccpr.ucla.edu/ccprwpseries/ccpr\\_007\\_03.pdf](http://www.ccpr.ucla.edu/ccprwpseries/ccpr_007_03.pdf)
21. Wells, Thomas (1995); *Does Family Background Affect Educational Attainment Differently According to Family Structure, Birth Order, and Sex?*; Center for Demography and Ecology, University of Wisconsin-Madison, NSFH Working Paper No. 70: <http://www.ssc.wisc.edu/cde/nsfhw/nsfh70.pdf>



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.